روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
شنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۲۸ رمضان ۱۴۴۳ • ۳۰ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۶۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۹
اذان صبح فردا ۴:۴۰ • طلوع آفتاب ۶:۱۳

روزنامه شرق

• جهت استفاده از حداکثر بذر و داشتن مزرعه‌ای یکدست، ابتدا بذر را در فضای کوچک‌تری به نام خزانه کشت نموده و پس از آماده‌شدن و رشد نشاها آن را به زمین اصلی منتقل می‌کنند
عکس: اکبر قاسم‌پور، باشگاه خبرنگاران جوان

دیالوگ روز

مرگ یزدگرد- بهرام بیضایی - ۱۳۶۰

آسیابان (مهدی هاشمی): برای پادشاهی که در سرزمین خویش می‌گریزد، بزرگان چه گفته‌اند؟ زن (سوسن تسلیمی): سخن بزرگی نگفته‌اند!
آسیابان: من گریزان در سرزمین خویش خانه به خانه می‌روم و همه جا بیگانه‌ام. سفره‌ای نیست که مرا مهمان کند و رختخوابی نه که در آن دمی بیاسایم. میزبانان خود در حال گریزند. اسبان رهوار به‌جای آنکه مرا به سوی پیکار برانند، از آن به در بُردند. شرم بر من.
زن: ما هرگز مهمان نکشته‌ایم!

دور دنیا

تورنتو شهری که در آن غربت را فراموش می‌کنی

بهرام امیراحمدیان

وقتی در شهر تورنتو، بزرگ‌ترین شهر کانادا و مرکز اقتصادی این کشور حضور داری، احساس غربت نداری. همه جا می‌توانی هموطن ایرانی ببینی. در فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای، فروشندگانی ایرانی یا ایرانیانی در حال خرید می‌توانی ببینی. گفت‌وگو به زبان فارسی شنیده می‌شود. زیباتر اینکه در خیلی از مراکز خرید در تورنتو شاهد بودم که مادران جوان ایرانی با فرزندان خود به زبان فارسی سخن می‌گویند. در چند مورد از این مادران و کوشش آنها برای تربیت فرزند با زبان فارسی شخصا قدردانی کرده‌ام. در سفر به کلکته در شرق هندوستان در ساحل خلیج بنگال در شهر، دنبال مسجدی می‌گشتم تا نماز بخوانم. مرا به مسجدی هدایت کردند که در مرکز بازاری قدیمی بود. بر پیشانی طاق ورودی مسجد کتیبه‌ای سنگی بود که روی آن با خط نستعلیق فارسی نوشته بودند «ناخدا مسجد» و شگفت آنکه لوحه‌هایی به زبان فارسی از اشعار بیدل و حافظ بر در دیوار مسجد زینت‌بخش بود. یاد شعر حافظ افتادم که فرموده است: شکرشکن شوند همه طوطیان هند/زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود. این قند فارسی را در شمالی‌ترین نقطه زمین در کانادا در تورنتو هم می‌توانی ببینی و در فروشگاه و سوپرمارکت‌ها، نان‌های بسته‌بندی که روی آنها به لاتین نوشته شده «NAN» (نان). این چه سری است در این زبان که ما را تا آن بالا بالاها از مهدکودک تا بالاترین سطوح آکادمیک همراهی می‌کند.

نوروز در کنار زبان فارسی بخش دیگری از هویت ما ایرانیان است که با بزرگداشت آن در سراسر جهان از خاورمیانه تا اروپا و آمریکا تا اینجا در تورنتو به نماد ایرانیت تبدیل شده و توانسته است آن را به عنوان میراث ناملموس بشری در یونسکو (که بنده خود نقشی کوچک در آن داشته‌ام) به ثبت جهانی برساند. تا جایی که در کاخ سفید هم رسوخ کرده و در ایام نوروز سفره هفت‌سین می‌گسترانند. بی‌شک آموزه‌های اصیل فرهنگ ایرانی و جوهره وجودی آن بوده که به نماد صلح و دوستی و مهربانی و آشتی و سپاسگزاری به درگاه یزدان تبدیل شده است.

در مراسم نوروز که حالا چند هفته‌ای از آن گذشته، می‌توان جنب و جوش ایرانیان کانادا را در تدارک سفره هفت‌سین و مراسم پیشواز از نوروز برای چهارشنبه‌سوری و دید و بازدید شاهد بود. ایرانیان کانادا خود ایرانی کوچک در اینجا پدید آورده‌اند. در دهه محرم دسته‌جات عزاداری و ناهار قیمه‌پلو و در اربعین شله‌زرد و در ماه مبارک رمضان افطاری زولبیا و بامیه را هم می‌توانی در فروشگاه‌های متعدد ایرانی با تابلوهایی به خط فارسی بیابی. نان سنگک و بربری و لواش و تافتون هم یافت می‌شود. کله‌پاچه و حلیم هم هست. مواد غذایی بسته‌بندی تا همه نوع خوراکی از زعفران و چای لاهیجان و ارده و شیره و استکان کمرباریک و چراغ سه‌فتیله هم دیدم. نگران نباید بود. اگر دلتنگ ایران عزیز و ایرانی هموطن هستی، همین‌جا در چندقدمی توست.

در کانادا ایرانیان با سطح تحصیلات نسبتا بالای خود درگیر فعالیت‌های اقتصادی بسیار متنوعی هستند. ایرانیان، جزء خوداشتغالان در کسب‌وکارها از کوچک و متوسط گرفته تا بزرگ هستند. اگرچه تجارت بین کانادا و ایران نسبتا محدود باقی مانده است، اما کسب‌وکارهای وارداتی/صادراتی برای اقلامی مانند فرش ایرانی وجود دارد که در کانادا محبوب شده است. تعداد فزاینده‌ای از سرمایه‌گذاران ایرانی در بازار املاک کانادا نقش دارند و چندین توسعه‌دهنده بزرگ در مناطق تورنتو و ونکوور وجود دارد.

به عنوان یک جامعه مهاجر نسبتا جدید با پیشینه‌های متنوع طبقاتی، قومیت، مذهب، سیاست و ایدئولوژی، جامعه ایرانی نسبتا منسجم است. اگرچه ایرانیان به فرهنگ و تاریخ خود افتخار زیادی دارند، اما به جای یک گروه واحد، ترکیبی پرجنب و جوش از جوامع فرعی با زبان مشترک تشکیل می‌دهند. شعر و ادب اساس گردهمایی‌های منظم ایرانیان در شهرهای مختلف را تشکیل می‌دهد که شاعران و نویسندگان ایرانی، چه بازدیدکننده و چه محلی، آثار خود را ارائه می‌دهند؛ علاوه بر این باشگاه کتاب است که به طور منظم دعوت از نویسندگان ایرانی از خارج و داخل کانادا را انجام می‌دهند. دامنه فعالیت‌های فرهنگی مرتبط با فرهنگ ایران شبیه به آن دسته از فعالیت‌هایی است که هر قومی در کانادا از آن لذت می‌برد و شامل کنسرت‌ها، نمایش‌نامه‌ها، نمایش فیلم‌ها، ورزش‌ها، نمایشگاه‌های هنری، و سازمان‌های داوطلب است. چندین روزنامه هفتگی فارسی‌زبان در دسترس است از جمله شهروند که بزرگ‌ترین روزنامه هفتگی فارسی در آمریکای شمالی با دفاتر و وابستگان در چندین شهر است. با رشد جامعه ایرانی، کانادایی‌ها طعم غذاهای ایرانی را به دست می‌آورند، کافه‌های ایرانی، رستوران‌ها و «چلوکبابی‌ها»ی محبوب در چند شهر افتتاح شده‌اند.

نیمی از جمعیت تورنتو را اقلیت‌های قومی تشکیل می‌دهند. حدود ۲۰۰ قومیت مشخص در این شهر زندگی می‌کنند و از این نظر می‌توان آن را یک شهر جهانی (کوسموپلیتن) نامید. ساکنان این شهر به ۱۶۰ زبان تکلم می‌کنند.

نکته جالب در مورد تورنتو، «نظم و قانون» و مبلمان بسیار منظم و مناسب شهری است. بافت مناطق مسکونی با نقش خوابگاهی برای خانوارها تدارک دیده شده و در این بافت مراکز خرید وجود ندارد و این مراکز با ارائه همه گونه خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیرگاه‌ها و خدمات اتومبیل در نواحی مشخص و قابل دسترس با پارکینگ‌های روباز و رایگان در خدمت شهروندان است. علائم راهنمایی و رانندگی و خط‌کشی معابر و رعایت حق تقدم و احترام به چراغ‌های راهنمایی و اعتباری که برای عابر پیاده و امنیت عبور و مرور برای خردسالان و میانسالان و افراد ناتوان از جمله در پارکینگ‌ها در مراکز خرید در نظر گرفته شده، شهر را برای زندگی آرام و با امنیت فراهم آورده است. رعایت حق تقدم و احترام به قوانین راهنمایی و رانندگی در نهاد شهروندان از کودکی و از مهدکودک و مدارس آغاز می‌شود. جامعه سالم و قانونمند از رعایت این مقررات، یعنی احترام به خط‌کشی‌ها، به‌ویژه خط‌کشی عابر پیاده، احترام و رعایت چراغ راهنمایی، رمز موفقیت این شهر بزرگ و مرکز تجاری و اقتصادی و فرهنگی کانادا در فراهم‌آوردن شرایط زیست بهتر و آرامش و آسایش برای شهروندان است.

افطاری انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران

فرصتی برای همدلی

مراسم افطار انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران شامگاه پنج‌شنبه هشتم اردیبهشت با حضور گسترده اعضای انجمن و میهمانان ویژه برگزار شد. در این مراسم عباس عبدی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن، با خوشامدگویی به اعضا، از اینکه پس از سه سال این امکان فراهم شد تا روزنامه‌نگاران ایران شبی را در کنار هم باشند، ابراز خشنودی کرد. در ادامه این مراسم، هادی خانیکی، روزنامه‌نگار و استاد سرشناس رشته ارتباطات که به تازگی از بیمارستان مرخص شده است، در سخنانی با اشاره به بیماری سرطانی که با آن درگیر شده است، گفت: من در شرایط بیماری هم فهمیدم که این «گفت‌وگو» است که نجات‌بخش است؛ از همین رو از بیماری‌ام هم به‌عنوان فرصتی برای گفت‌وگو استفاده کردم و فکر می‌کنم بودن در کنار هم و گفت‌وگو در چارچوب تشکل‌های صنفی، یگانه راه نجات برای ماست. ماشاالله شمس‌الواعظین رئیس هیئت‌مدیره انجمن روزنامه نگاران ایران با اشاره به تحولات اخیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، گفت: من بر این باورم که به هیچ عنوان نباید سازمان‌های حرفه‌ای و سندیکاها را رها کرد و باید تلاش کرد با گفت‌وگو و کاستن از دامنه اختلافات، اصل نهاد صنفی را حفظ کرد. وی افزود: وقتی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران بسته شد، ما تصور می‌کردیم خیلی زود این انجمن مجددا بازگشایی می‌شود اما با وجود قول‌های مساعدی که به ما داده شد، انجمنِ ما در این ۱۲ سال باز نشد که نشد از همین رو، بر حفظ انجمن تهران تأکید دارم و فکر می‌کنم روزنامه‌نگاران ایران به انجمن صنفی باید به‌عنوان یک بارقه امید نگاه کنند. وی در پایان سخنانش افزود: من زجر بستن سندیکا را می‌دانم و می‌دانم داشتنِ یک انجمن که بتوان در آن جمع شد و به آن امید داشت؛ نعمتی است که باید قدرش را دانست و همه‌جوره در جهت حفظ آن تلاش کرد. بدرالسادات مفیدی، دبیر انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران نیز در این مراسم، با اشاره به گذشت ۱۲ سال از پلمب ساختمانِ انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، از تلاشِ هیئت‌مدیره انجمن برای بازگشایی مجدد آن در تمام این سال‌ها خبر داد و افزود: با این وجود، ما خودمان را در کنار انجمن تهران می‌دانیم و تا جایی که در توان داشته باشیم، برای این همراهی انجام خواهیم داد. وی در بخش دیگری از سخنانش ابراز امیدواری کرد تا اختلافات در میان جامعه روزنامه‌نگاران ایرانی به حداقل برسد و شکاف نسلیِ آنها کم‌تر شود. احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار هم در این مراسم با اشاره به اینکه ما تا زمانی که چیزی را از دست نمی‌دهیم، قدر آن را نمی‌دانیم، گفت: اکنون که پس از سه سال دور هم جمع شده‌ایم، قدرِ این با هم بودن را بیشتر می‌دانیم. من احساس شعف دارم که دوستان و همکاران را در کنار هم می‌بینم و به جد بر این باورم که انجمن‌ها باید تقویت شوند تا با تجربه‌های جدید بتوان زنجیره‌ای از نهادهای صنفی را در کنارِ هم سازمان داد. وی در پایان سخنانش افزود: «به نظر من، با شرایط ویژه‌ای که ایران در آن قرار گرفته است، عنصرِ تفاهم و گفت‌وگو بسیار مهم است و نقش نهادهای صنفی در این بین بسیار ویژه و حیاتی است». در این مراسم به‌جز اعضای انجمن صنفی، مدیران و نویسندگان آزاد برخی انجمن‌های صنفی و علمی مرتبط، چون انجمن‌های جامعه‌شناسان، روانپزشکان، عکاسان و گرافیست‌ها و ورزشی‌نویسان، ناشران، وکلا و نویسندگان آزاد مطبوعات نیز دعوت شده و حضور داشتند. همچنین علی بهادری‌جهرمی، سخنگوی دولت آقای رئیسی و علی ربیعی، سخنگوی دولت آقای روحانی نیز دعوت شدند که حضورشان در یک میز از نکات قابل توجه مراسم بود. در پایان این مراسم هم میهمانان و اعضا، عکسی را به یادگار در کنارِ هم انداختند.

گورخوانی

توهین به مزار حبیب و بهمن کشاورز

جرمی که قلب می‌شکند

در چند روز گذشته دو ویدئو منتشر شد که حکایت از توهین به مزار دو چهره سرشناس ایرانی داشت، یکی نصب بیلبوردی بر مزار مرحوم «بهمن کشاورز» وکیل صاحب‌نام ایرانی که سال‌ها ریاست کانون وکلا را برعهده داشت و دیگری مرحوم «حبیب» از اهالی موسیقی و آواز که در روستای نیاسته رامسر به خاک سپرده شده است. خانواده مرحوم حبیب نسبت به شکسته‌شدن و تخریب مزار او گلایه کردند و برای اولین بار پس از مرگ او به برخی نکته‌ها و فشارها و محدودیت‌هایی که در طول حضورش در ایران تحمل کرده بود، اشاره کردند. حبیب محبیان خواننده پیش از انقلاب که در سال ۸۸ به ایران بازگشت و هرچند در خاک ایران از دنیا رفت؛ اما هیچ‌گاه نتوانست بار دیگر به صحنه هنر و موسیقی بازگردد و درعین‌حال ناگزیر شد تا محدودیت‌های بسیاری را بپذیرد. یکی از دردناک‌ترین اتفاقات درباره او عکسی بود که از جسدش در سردخانه بدون اجازه و اطلاع خانواده‌اش منتشر شد. حالا خانواده او از مزارش فیلمی منتشر کرده‌اند که چراغ‌هایش شکسته و گل‌های اطراف سنگ مزارش تخریب شده بود. هرچند پس از انتشار این فیلم، چند نفر از علاقه‌مندانش به آنجا رفتند و به تعمیر خرابی‌ها پرداختند. دراین‌میان عدم مسئولیت مراقبان آن مزار و اهالی آن روستای نزدیک رامسر، احساسات بسیاری را جریحه‌دار کرد که چطور از این مزار به‌خوبی مراقبت نمی‌کنند.

توهین به مزار بهمن کشاورز اتفاق دیگری بود که به‌تازگی رخ داد. این وکیل سرشناس که به‌تازگی سومین سالگرد فوت او را پشت سر گذاشته‌ایم، در سوم اردیبهشت ۱۳۹۸ درگذشت. برخی از افراد با قراردادن یک بنر بر روی مزار او در قطعه نام‌آوران، به او توهین کردند. در این نوشته از تأیید طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار در شورای نگهبان اظهار شادمانی کرده و نوشته بودند «وکالت آزاد شد». هرچند وکلا و دوستداران «بهمن کشاورز» که احساسات‌شان در پی این اتفاق جریحه‌دار شده بود، دو شکایت را ثبت کردند. یک شکایت از سوی کانون وکلای دادگستری مرکز در این زمینه طرح شده و شکایت دیگری نیز از سوی بنیاد حقوقی بهمن کشاورز مطرح شده است.

هرچند قطعه نام‌آوران دوربین‌هایی دارند که به احتمال زیاد پس از فرایند قانونی، امکان بررسی تصاویر آنها وجود دارد و می‌توان به هویت و چهره توهین‌کنندگان پی برد؛ اما واقعیت این است که ماجرای سنگ مزارهایی که تخریب می‌شوند، عکس‌هایی که از سنگ‌ها پاک می‌شوند، حکایت تکراری و غم‌انگیزی است که سال‌هاست در کشورمان رخ می‌دهد. تاکنون به سنگ مزار بسیاری از چهره‌های سرشناس اهانت شده و هر سال این فهرست طولانی‌تر می‌شود؛ از تخریب سنگ مزار شاملو و سپانلو تا سنگ مزار دو نفر از کشته‌شدگان پرواز اوکراین و پاک‌کردن تصویر زنان. اما این توهین همان‌طور که این بار درباره سنگ مزار بهمن کشاورز رخ داده، جرمی است که می‌توان برای آن شکایت طرح کرد.

به گزارش ایوان وکلا «مطابق بند ۱۲ از ماده ۱ آیین‌نامه امور خلافی مصوبه ۲۲ مرداد سال ۱۳۲۴ ناسزاگفتن و اهانت به مردگان در ملأعام برخلاف شعائر موجب حبس از دو تا پنج روز و تأدیه غرامت می‌شود. ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی نیز می‌تواند شامل توهین به مردگان شود و در مواردی که عرفا هتک به مرده هتاکی به بازمانده محسوب شود. دراین‌میان بازماندگان و وراث می‌توانند به خاطر توهین یا افترایی که به مرده آنها شده و به خاطر توهینی که به خود آنها شده، اقامه دعوا و ادعای خسارت کنند». تخریب ازجمله جرائم عمدی است و طبق ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی هرکس عمدا اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب کند یا به هر نحو کلا یا بعضا تلف کند یا از کار اندازد، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

هرچند این توهین‌ها بی‌تردید خاستگاهی متفاوت دارد و شاید حتی با وجود شکایت نتوان، توهین‌کنندگان را مجازات کرد.

ایران‌خوانی

مثلث بازارهای رمضان در اهواز

قاسم منصور آل‌کثیر: در همه بازارها، روزهایی هست که در آن به قول بازاری‌ها، بازار تکان می‌خورد. روزهایی از جمله شب سال نو و روزهای پیش از محرم که در آن مردم برای تهیه نیازهایی که این مناسبت‌ها آنها را خلق کرده، به بازار سرازیر می‌شوند و این تکاپوی اجتماعی باعث برآمدن موج‌های خریدی می‌شود که گاهی بقای بازارها به آنها وابسته است. در اهواز و بسیاری از شهرهای خوزستان هم آن‌چنان که آمارهای خرید مردم نشان می‌دهد، آغاز و پایان ماه رمضان چنین موج خریدی را خلق کرده و روحی تازه در بازار دمیده و آن را تکان می‌دهد. در این میان در اهواز اغلب این موج را سه‌گانه‌ای جذب می‌کند که می‌توان آن را «مثلث بازارهای محوری رمضان» نامید؛ مثلثی که در اهواز گرانیگاه خرید و تردد اغلب مردم می‌شود. یک ضلع این مثلث را «بازار کیان» و «کوی علوی» که به بازار فرحانی معروف است، شکل می‌دهد. این ضلع را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین مراکز فروش و دوختِ البسه محلی دانست؛ بازاری که می‌تواند به‌عنوان یکی از بازارهایی با پتانسیلِ گردشگری معرفی شود. ضلع دوم این مثلث را محور ابتدای نادری و بازار عبدالحمید شکل می‌دهد؛ بازاری قدیمی و پرجنب‌وجوش که با فروش البسه، عود، بخور و وسایلی که برای رمضان و عید فطر استفاده می‌شود، در طول دهه‌ها نیازهای بسیاری از مردم اهواز و شهرهای اطراف آن را به خریدهای رمضانی تأمین کرده است. ضلع سوم این مثلث نیز بازار اصیل عامری و سوگ العریان است؛ سوقی که از دیرباز به علت مسقف‌نبودن، چنین نامی را برای آن نهادند و در تمام شب‌های اهواز و به‌ویژه در شب‌های رمضان پاتوق علاقه‌مندان به نوشیدن فنجانی قهوه است. در این ضلع‌های سه‌گانه آمیزه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را در کنار فعالیت‌های موسمی خاص ماه رمضان می‌توان دید که گاهی از حدود صرفا اقتصادی بیرون رفته و چیزی شبیه به کارناوالی پیش چشم بیننده می‌گذارد تا حال و هوای رمضان را در کنش و منش مردمان ببینند. افزون بر این، این بازارهای سه‌گانه با بافت منحصر به فردشان مخصوصا در شب‌های پایانی ماه رمضان و اوج‌گرفتن تب خرید عید فطر زمینه‌ای بکر را برای فروش بساطی‌ها مهیا می‌کند؛ یک پدیده اجتماعی اقتصادی رو به گسترش که نهاد شهرداری به جای برخورد قهری شکست‌خورده باید آن را به رسمیت بشناسد و در طول موسم خرید رمضان و عید فطر زمینه را برای ساماندهی آن به‌عنوان یک فرصت اقتصادی و یک پدیده جشنواره‌ای و اجتماعی مهیا کند.

این ضلع‌های سه‌گانه و آن حاشیه دستفروش شکل‌گرفته دور آن را می‌توان قلب تپنده نهاد بازار در اهواز و تنفسگاه اقتصادی کارآمدی شمرد که فرصت‌های اقتصادی مناسبی را در اختیار شهر قرار می‌دهد؛ فرصت‌هایی که هم فروشندگان با افزایش مناسبتی حجم خرید از آن سود می‌برند، هم خریداران به دلیل رقابتی‌شدن فروش و کاسته‌شدن قیمت‌ها از آن متنفع می‌شوند و هم زمینه را برای هم‌جوشی اجتماعی و فرهنگی و پویایی شهری فراهم می‌کند.

در این بین بازاریان هم می‌توانند از فرصت رمضان به‌عنوان سکویی برای ایجاد تکانه‌های جدید در فروش سود ببرند و مردم را به بهانه‌های مختلف به بازار بیاورند. قاعده بازارهای جهانی پویا و موفق آن است که مناسبت‌های متفاوت را برجسته کرده و با خلق نیازهای نو و ارائه پاسخ‌های کالایی به آن نیازها پویایی مستمر بازار را تضمین کنند.

آنها با این کار هم از فرهنگ برای تحریک بازار استفاده می‌کنند و هم با برجسته‌کردن مناسبت‌های فرهنگی نو پویایی اجتماعی را که لازمه زندگی اجتماعی خلاق است، تضمین می‌کنند. در پهنه اسلامی هم تجربه نشان داده که بازاریان تلاش کرده‌اند از فرصت رمضان سود ببرند. آنان پیش از فرارسیدنِ ماه رمضان مردم را ترغیب به خریدِ تجهیزات رمضانی مانند «فانوس» و دکوری‌های رمضانی می‌کنند. اواسط رمضان نیز با هدف جذب کودکان، خانواده‌ها را برای خریدِ جشنِ «گرگیعان» به بازار می‌کشانند و درنهایت در روزهای پایانی رمضان نیز بازار با تخفیف‌های ویژه همه را به سوی خود می‌کشاند. این همه هم سبب افزایش فروش بازار شده و سود بیشتری نصیب این طبقه از جامعه می‌کند و هم سبب برجسته‌ترشدن آیین‌هایی می‌شود که رمضان را به‌عنوان موسمی خاطره‌ساز در بین نسل‌های نو تعریف کرده و ضامن دوام آیین‌های این ماه مبارک می‌شود.

در اهواز نیز بازاریان و سیستم مدیریت شهری با رویکردِ مدیریتِ تفاوت‌ها می‌توانند برای مخاطبان مختلف، بهانه‌های خرید تعریف کنند و کاری توأمان فرهنگی و اقتصادی و آیینی پیش ببرند. این امر هم آموزش و همراهیِ سازمان‌هایی مثل شهرداری و میراث فرهنگی را می‌طلبد و هم پذیرشِ بازاریان را و البته در این میان مثلث بازارهای رمضانی ظرفیتی غنی برای پیشبرد چنین پروژه‌ای خواهد بود.